

میدون و سوفیا

نامه سرگشاده به عباس کیارستمی



سلام آقای عباس کیارستمی

امیدوارم حال شما خوب باشد. اگر از حال ما خواسته باشید، باید بگویم ای بدگ نیست، الان سرمان به خریدکردن ستاره اسکندری و ماءالشعیر خوردن آزاده نامداری و قدم‌زدن نگار جواهریان گرم است. قبیل از آن به صورت ملی با فرستادن عدد ۲ به برنامه ۹۰ اعتراض خیلی تند و کاملاً تأثیرگذار سیاسی می‌کردیم و کیف هم می‌کردیم‌ها که متأسفانه خیلی سریع و بعد از ۲۰ سال مسئولان فهمیدند و جلوی برنامه را گرفتند. البته وزارت مخابرات به دلیل فروش شنبی پنج میلیون اس‌ام‌اس راحت‌الحلقوم، به رئیس صداوسیما گفت: بابا بذار ۹۰ پخش شه، باقیش با من. در نهایت که مسئولان فهمیدند ما به کی اس‌ام‌اس می‌دهیم، متأسفانه بچه‌های بالا از بالا فشار وارد کردند و موبایل عادل فردوسی‌پور و برنامه‌هاش را در تلویزیون ازش گرفتند تا حساب کار دست این اساتید و دلاوران بیاید؛ مسعود فراستی هفت، نجم‌الدین شریعتی زلال، محمدحسین میثاقی خنجر از پشت، آزاده نامداری ماءالشعیر، علی انصاریان ترانه آن‌ور آب بخوان، مهران مدیری دورهمی، احسان علیخانی گریه‌دار، مرتضی حیدری برو آن‌ور، بعد که خبری شد بگو خواستم ادامه تحصیل بدم، کامران نجف‌زاده که قبل از ۲۰۰۳ بود الان نیست‌وسی و خلاصه حساب کار دست باقی مجاری محترم بیاید که اگر قرار است با مردم اس‌ام‌اس بازی کنند باید بی خیال برنامه‌شان بشنوند. خلاصه آقای کیارستمی! سر ما حسابی گرم است.

آمریکا اول با روسیه دیدار کرد، بعد با چین، بعد با کره شمالی، بعد کره شمالی با روسیه دیدار کرد و در نهایت ایران زد پهباد آمریکایی‌ها را انداخت و چین و کره که کارد و پنیرو بودند، دقیقاً بعد از افتادن پهباد آمریکایی‌ها، با هم دیدار کردند و عراق که برادر ما بود، سرمایه‌گذاری میلیارددلاری عربستان را برای ساختن شهر ورزشی- تفریحی پذیرفت تا برادری‌اش را ثابت کند، اما به کی، ما نمی‌دانیم.

بله آقای کیارستمی!

سینمای جهان شما را از دست داد، ولی ما متأسفانه سینمای ایران را بدون شما به دست آوردیم که جز چند اثر انگشت‌شمار، باقیش شوخی پایین... و شوخی سیاسی سفارشی، فرمایشی است.

آقای کیارستمی!

راستی دکتر معالج شما در دادگاه محکوم شد و قرار شد تا سه ماه دکتربازی نکند.

در ضمن وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی ثابت کردند جان دست‌خداست و بعضی از دکترها فقط وسیله‌اند.

همچنین بعد از جراحی شما، ما فهمیدیم خدا پدر پراید را بیامرزد که حداقل خدمات پس از فروش دارد، چون پزشکی ایران برخلاف پراید که هیچی ندارد، حتی خدمات پس از فروش هم ندارد.

درواقع توی بعضی مطب‌ها نوشتند:

جنس فروخته‌شده پس گرفته نمی‌شود!

در پایان باید بگویم جهان با جهان‌بینی شما جای بهتری بود.

عاشق جهان فیلم‌های شما؛

میون دوم و سوفیا

زیر آسمان

دلک‌هایی برای ترسیدن

● بیشتر مردم عاشق دلک‌ها هستند؛ اما عده‌ای هم هستند که آنها را مقداری ترساک می‌دانند. همیشه یکی از سوآل‌ها این بوده که دلیل ترس برخی از مردم از دلک‌ها چیست؟ شاید برایتان جالب شود بدانید که عده‌ای دچار دلک‌هراسی هستند؛ عده‌ای که نمی‌توانند به تئاتر بروند؛ چراکه ممکن است یک دلک در آنجا نقش داشته باشد یا عده‌ای هستند که از جشن‌ها و تولدها به دلیل حضور دلک‌ها محروم می‌شوند. شاید به نظر عده‌ای این ترس جدی نباشد؛ ولی مانند بیشتر هراس‌هایی که برای دیگران بی‌معنی است، عده‌ای دچارش هستند. یکی از روان‌شناسان در این‌باره به بی‌زنبیس اینسپایدر توضیح داده است. از نظر دینیا رایبوتز یکی از دلایل این‌ه هراس، صورت گریم‌شده دلک‌هاست که هیچ حسی را نمی‌توان از آن دریافت کرد. در واقع یکی از راه‌های ارتباطی افراد با یکدیگر درک احساسات از روی صورت آنهاست و انسان‌ها فقط به کلماتی که می‌شنوند و حرکات دست اتکفا نمی‌کنند. مخاطبان با توجه به احساسات و حرکات صورت دربرابر هر فردی واکنش نشان می‌دهند و حالا برخی افراد در مواجهه با دلک‌ها دچار ترس می‌شوند و این سوآل را از خودشان می‌پرسند که زیر این صورت چه اتفاقی در حال رخ‌دادن است. همچنین برخی از مردم نمی‌توانند به کسانی که همیشه خوشحال‌اند و می‌خندند، اعتماد کنند. نمونه ترساک سینمایی می‌تواند ژوکر باشد که لیخن‌دی بر صورتش تراشیده شده بود. همین‌طور عده‌ای هستند که از رنگ‌ها می‌هراسند. در واقع لباس پرزرق‌وبرق دلک‌ها برای عده‌ای ترسناک است و برایشان حس صمیمیت را ایجاد نمی‌کند که همین موضوع سبب می‌شود دلک‌ها خارج از قاعده به نظر برسند؛ بنابراین اکثر مواقع وقتی آنها در محیطی غیراز سیرک دیده می‌شوند؛ چاره‌ای جز هراسیدن نمی‌ماند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱ تیر ۱۳۹۸ • ۱۸ شوال ۱۴۴۰ • ۲۲ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۶ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

مهدی معتمدیان (دیان)

motazedian.mehdi@yahoo.com



رویکرد سیستمی در حوزه عمومی-۲

لزوم بازنگری پیوسته در روش‌ها



اکبر قر اخانی بهار

باید گفت که ساختار بسیاری از سازمان‌های اداری یا خدماتی و در نتیجه روش‌ها و سیستم‌های مورد استفاده در آنها متأثر از «عصر صنعتی» است، در حالی که جهان پیشرفته امروز در مقیاس وسیع در حال ورود به «عصر خدمات» است. اگر نماد بارز عصر صنعت توجه به «ابعاد سخت‌افزاری» انجام کارها بود، در عصر خدمات توجه عمده به «ابعاد نرم‌افزاری» کارها معطوف شده یا خواهد شد.

همچنین در آینده‌ای نه چندان دور، عمده تولیدهای فیزیکی نیز با اتکا به گونه‌ای از سخت‌افزارها (نظیر روبات‌ها) که به سبب نقش نرم‌افزارها در بطن سخت‌افزارها، از جنبه‌های سخت‌افزاری از مشاب‌ه‌های قبلی خود بسیار ساده‌تر خواهند بود، به کمک نرم‌افزارهای کنترل‌کننده آنها و با اتکا به «هوش مصنوعی» به تمامی به صورت مکانیزه و خودکار در خواهند آمد. این در حالی است که دنیای کار و فعالیت بسیار بیش از گذشته رقابتی شده و کوچک‌ترین غفلت باعث حذف حتی غول‌ها از صحنه رقابت خواهد شد.

از طرف دیگر، برخی از روش‌ها و سیستم‌های سنتی در برخی از سازمان‌ها بسیار قدیمی هستند و در زمانی ایجاد شده‌اند که مبانی علمی و نظری در زمینه‌های مربوط به آنها وجود نداشته یا بسیار کم بوده است. در صورتی که امروزه برای بسیاری از این قبیل روش‌ها و سیستم‌ها مبانی علمی درخورتوجهی به وجود آمده و در مورد آنها تکنولوژی‌های قدرتمندی (نظیر تکنولوژی اطلاعات) در دسترس است. باید گفت که در بسیاری از زمینه‌ها حتی روش یا سیستم مشخص و معینی نیز وجود ندارد و اگر هم چیزی هست، تنها برای رفع مشکل و در شرایط اضطرار یا نیاز ایجاد شده و فاقد وجوه علمی یا منطقی درخور است.

باید خاطرنشان کرد که یکی از رایج‌ترین استفاده‌ها از مفاهیم سیستمی (که شاید کمتر مورد تأکید بوده)، «سازوکارهای سازمانی» یا «روال‌های کاری» در قالب «مجموعه‌ای مرتبط از کارها» به عنوان «سیستم‌های دستی یا مکانیزه» است که آنها را در همه شئون زندگی

نخستین روز از تیرماه در گاهشماری ایرانی روزی است ویژه زیرا که این روز بلندترین و دیرپازترین روز سال است. این روز به درست در برابر درازترین شب سال که در آغاز دی‌ماه ایرانیان آن را در آیینی بسیار شکوهمند و باستانی بزرگ می‌دارند و ارج می‌نهند، جای می‌گیرد؛ آیینی که آن را بیشتر با نام آیین شب چله یا شب یلدا می‌نامیم و می‌شناسیم.
آما آنچه در این میان، مایه‌ی شگفتی است، آن است که در بلندترین روز سال جشن و آیینی که آنچنان گرمای باشد که همه‌ی ایرانیان به پاس آن جشنی بزرگ و بشکوه بپارایند و به



میرجلال‌الدین کزازی

جیم اونیل، وزیر خزانه‌داری سابق بریتانیا در کابینه دوید کامرون و ترزا می، مدیر سابق شرکت مدیریت دارایی گلدمن ساکر و رئیس فعلی چتم‌هاوس لندن هفته گذشته مقاله‌ای با عنوان «درس‌های اقتصادی از اورست» منتشر کرده که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم.

تصاویر اخیراً منتشرشده از صفی طولانی در حال راهپیمایی از اردوگاه پای کوه اورست تا قله در امتداد خط‌الراس کوه، نمونه‌ای عالی از سوءمدیریت عرضه و تقاضا در دنیای واقعی را به نمایش می‌گذارد. مانند تعداد دیگری از حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، ترکیبی از تنظیم قیمت و مقررات، تنها راه پایین‌آمدن از کوه مشکلات است. من هم مانند بسیاری دیگر از تماشا‌ی تصاویر اخیر مهیوت شدم که نشان می‌داد در ماه می (اردیبهشت) صفی طولانی از پایین تا قله کوه اورست، بلندترین قله جهان، از ضلع طرف کشور نپال تشکیل شده است. این نظر که تأخیر ناشی از شلوغی بیش از حد مسیر احتمالاً یکی از عوامل ۱۱ مورد مرگ‌ومیر گزارش‌شده در این کوه در فصل صعود امسال بوده، واقعیتی است که نمی‌توان به آسانی از کنارش گذشت.

حدود یک دهه پیش، من و هم‌مسیر مسیر از لوکلا در نپال به سمت اردوگاه پایه اورست را در پیش گرفتیم، بنابراین من جذابیت چنین ماجراهایی را به‌خوبی احساس می‌کنم. اما یادم می‌آید همراه با هیجان از دیدن تعداد زیاد افراد در مسیر سفر احساس ناامیدی به من دست داد. فائزی اولیه از بین رفت و در تلاش برای درص‌فماندن به نظران رسید فایده‌ای ندارد که بیشتر بچنگیم و تقلا کنیم. در آخرین ایستگاه قبل از اردوگاه پایه به عقب برگشتیم (برای مسافران علاقه‌مند، مسیری را که کمتر از آن استقبال می‌شود به سمت دریاچه‌های گوکیوی نپال توصیه می‌کنم که کمتر شلوغ است و چشم‌انداز خوبی دارد).

گذشته از شرایط خاص مانند باریک‌بودن مسیر، مشکل شلوغی اورست تفاوت‌چندانی با بسیاری از چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دیگر که سیاست‌مداران با آن مواجه هستند، ندارد؛ یعنی نبود توازن بین عرضه و تقاضا و احتمالاً قوانین ضعیف. یک نمونه از گرانی‌های خاص من، بازار آنتی‌بیوتیک‌هاست که سقوط کرده؛ چون توسعه داروهای جدید با تقاضا هماهنگ نیست. اما مسئله‌ای که بیشتر به اورست مربوط می‌شود، چالش بزرگ‌تر مدیریت مناطق توریستی است. در سراسر جهان، طبقه متوسط بزرگ‌تر شده و پرواضح است که این طبقه می‌خواهد از آنچه سیاره ارانه می‌دهد، بیشترین بهره را ببرد.

سلام به فردا

روزی سزاوار جشن و شادمانی آیینی

همواره در درازنای تاریخ به شوریدگی دل‌بسته‌ی روز و روشنایی بوده‌اند و هنوز نیز هستند پس بر این پایه جشنی بشکوه‌تر می‌بایست به پاس این رخداد بسیار بشگون و همایون اخترشناختی و گاهشمارانه بپارایند. نکته‌ای که نغز است و شایسته یادکرد، آن است که انگیزه و خاست‌جای جشن و آیین شب زایش مهر نیز همچنان در پیوند است با ارج و ارزشی که روز و روشنایی و خورشید در تاریخ و فرهنگ ایرانی دارد. زیرا مهر در آن جشن و آیین به شیوه‌ای نمادین و رازورانه با خورشید پیوند گرفته است. به گونه‌ای که شب زایش مهر مگر شب زایش خورشید نیست؟ این پیوند انگیزه‌ای شده است کارآ و پایدار که ایرانیان آن شب را گرمای دارند، بگویند که درازترین شب سال را بیدار بمانند تا بخت آن را بیابند که پگاهان گواه در میدن خورشید و روز و روشنایی باشد.

تجربه دیگران

درس‌های اقتصادی از اورست

استدلال منطقی به نظر می‌رسد. مشکل این است که مسئله داروهای زندگی‌بخش با ماجراها و تعطیلات متفاوت است. گرچه حملیل هزینه بالا می‌تواند این مشکل را در جوامع ثروتمند حل کند، مشکل مضاعف و بغرنجی به بخش‌های بزرگی از جهان تحمیل می‌کند. در بسیاری از نقاط آفریقا، شبه‌قاره هند و فراسوی آن، پرداختن قیمت‌های بالاتر راه‌حل نیست. این جوامع برای جلوگیری از ظهور باکتری‌های مقاوم که می‌تواند کل جهان را تهدید کند، باید بتوانند به طور مؤثر و مسئولانه بیماری‌های عفونی را مدیریت و از آن پیشگیری کنند.

من پس از آنکه پژوهش مستقل دولت بریتانیا در مورد باکتری‌های مقاوم را در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ پیگیری کردم، همچنان خواستار یک «یاداش ورود به بازار» بزرگ برای تشویق شرکت‌های تولید دارو شدم که توسعه آنتی‌بیوتیک‌های جدید را دنبال می‌کردند. اما این اقدام به تنهایی کافی نیست. همان‌طور که مشکل اورست نشان می‌دهد، ما به سیاست‌های ابتکاری نیز برای محدودکردن سوء‌مصرف دارو نیاز داریم که لازمه‌اش سرمایه‌گذاری بیشتر در بحث تشخیص بیماری است. با اعمال سیاست‌های مناسب که توسعه شرکت‌های داروسازی برای داروهای لازم جدید می‌توانند قیمت‌های بالاتر وضع کنند اما این داروها فقط وقتی ابزار تشخیصی مناسب به کار گرفته شود، قابل تجویز خواهند بود.

خوب که فکرش را بکنیم، می‌بینیم شاید مقامات نپال باید یک روش تشخیصی را در سایت‌های پذیرش گردشگر معرفی کنند تا آمادگی متقاضیان مشتاق را بسنجند. این کار نه فقط جلوی افرادی را می‌گیرد که ارزیابی درستی از وضع خود ندارند بلکه جانشان را هم نجات می‌دهد.



اتفاق

۱۰ کشور مهاجرپذیر

دیگری باشد؛ کشوری که به محض پایان‌یافتن ۸۰۰ دلار تاان باید از آن بیرون بروید. یک زوج برای زندگی و حضور در کشور کاستاریکا نیاز به شغل و حداقل درآمد ماهانه دوهزارو ۵۰۰ دلار دارند و هزار دلار ورودیه ویزایشان است.

کشور کانادا هم در شماره هفتم فهرست کشورهای مهاجرپذیر قرار دارد. برخی از این کشورها خود در جمله کشورهای فقیر و کوچک قرار دارند؛ مثلاً کشوری به نام بلیز (Belize) که در شمال‌شرقی مکزیک قرار دارد، اما انگلیسی‌زبان است. هر فردی با هزار دلار، می‌تواند یک ویزای ۵۰ روزه دریافت و هر ماه نیز این ویزای خود را تمدید کند. این کشور که در کناره دریای کارائیب قرار دارد، مناظر زیبا اما امکانات اندکی دارد. کشور بلژیک در رده نهم و کشور اتریش نیز در رده دهم این فهرست قرار دارند.

